

اسطوره‌های وابسته به  
آیین‌های رو به زوال،  
از بن آیین‌های خود  
رها شده و شکل  
ادبیات به خود  
می‌گیرند و وارد  
سنت‌های  
اقوام دیگر  
می‌شوند



نمایش مذهبی ژرژر قدیس و اژدها زنده است. در اسطوره‌های باستان زئوس به شکل عقاب یا به صورت باران درمی‌آید و حاکی از وجود دوره‌ای است که عقاب و باران در مفهوم توتمی شایع در نزد قوم به عنوان معبود و حامی تلقی می‌شده‌اند و معبدها با غلبه‌ی آیین زئوس صورت‌هایی از تجلی وی گشته‌اند. در واقع نمایش اسطوره در تاریخ و پیوند زدن زمان عینی با زمان ذهنی، بیانگر رمزهایی است که در درون این‌گونه مراسم رمزی می‌باشد.

به نظر نگارنده مراسم طلب آفتاب یا آفتاب‌خواهی که در مناطق شمال ایران و در سلسله جبال البرز و به صورت خاص‌تر در روستاهای شرق استان گلستان (گرگان) در گذشته اجرا می‌شد، ریشه در همین عقاید و باورها دارد. در این راستا سعی شده با کسب اطلاعات به صورت شفاهی از هزار توی حافظه‌ی پیران منطقه و رجوع به کتاب‌ها تا حد امکان به چگونگی این مراسم پرداخته شود.

#### زمان و چگونگی اجرای مراسم طلب آفتاب

زمان اجرای مراسم، فصل تابستان و موقع درو شالی است که به واسطه طولانی شدن و برخورد با باران‌های فصلی به جهت ضرر و زیان ناشی از بارندگی از خدا استمداد و تقاضای قطع باران را می‌کنند. تصمیم به اجرای این مراسم در پی چند روز بارندگی مداوم و توسط جمعی از بزرگان روستا به اتفاق آراء صورت می‌گیرد. سپس افراد گروه، مشخص و در زمانی معین مراسم اجرا می‌شود (حتی‌الامکان قبل از اذان ظهر)

اعمال آیینی با کلام، ورد و افسونی همراه بود که خاصیت جادویی آنها بخش اساسی آیین را شامل می‌شد. به عبارت دیگر آیین، شامل بخشی بود که اجرا می‌شد. در آیین، اسطوره سرگذشت آنچه را اجرا می‌شد بیان و اوضاع احوالی را تشریح می‌کرد. کلام اسطوره برای سرگرم کردن شنونده نبود، بلکه خود از توانمندی توصیف اوضاع و احوال و خلق برخوردار بود، مانند اسطوره آفرینش که در آن سرود «انومالیش» را می‌خواندند که در جشنواره سال نو بابلی اجرا می‌شد. این اسطوره در اوضاع و احوالی که این آیین به نمایش درمی‌آورد، تغییراتی ایجاد می‌نمود.

#### پخش و گسیختگی اسطوره

وجود اسطوره را در هر جامعه می‌توان به دوگونه توضیح داد: ابتدا پخش اسطوره و دیگر تولد مستقل اسطوره در اثر تخیل. می‌توان مشاهده کرد که آیین‌هایی رو به زوال می‌روند و نابود می‌شوند، یا با زوال تمدنی که آیین‌های مشخصی در آن نقش اساسی داشته‌اند، این آیین‌ها دچار دگرگونی می‌شوند. بدین ترتیب درمی‌یابیم که اسطوره‌های وابسته به آیین‌های رو به زوال، از بن آیین‌های خود رها شده و شکل ادبیات به خود می‌گیرند و وارد سنت‌های اقوام دیگر می‌شوند. به عنوان مثال اسطوره اژدهاکشی در اسطوره آفرینش بابلی مبنای افسانه‌ی پرسوس و آندرومدا، افسانه هرکول و هشت پای لرنیان، افسانه زیگفريد و فافینر و افسانه بیولف و گرنلد شده است. و هنوز اسطوره اژدهاکشی در

# آیین و مراسم طلب آفتاب

جلال سلامتی اوزینه

منطقه شرق استان گلستان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

## اسطوره آیینی

کاملاً روشن است متن‌هایی که ما دانش مربوط به اسطوره‌ها را از آن به دست آورده‌ایم در آرشیو پرستشگاه‌ها جای داشته است. این سندها نشانه وجود تمدن‌های بسیار پیشرفته‌ای است که بر تولید کشاورزی متکی بوده‌اند. متن‌ها نشان می‌دهد که مردم مصر و بین‌النهرین راه و روش‌های بس استادانه‌ای ابداع کرده بودند، و ما این راه و روش‌ها را آیین نامگذاری کرده‌ایم.

گروهی از کاهنان این کارها را در معابد به انجام می‌رساندند. کاهنان، نظامی ایجاد کردند که در آن اعمالی با شیوه‌ای ثابت و در زمان‌های معین انجام می‌شد، افرادی مجاز و با دانش ویژه که راه و روش‌های درست را می‌دانستند و می‌بایست این کارها را انجام دهند. تمامی الگوی استادانه این فعالیت‌ها به گونه‌ای تنظیم یافته بود که می‌توانست نیروهای بی‌شماری که انسان خود را در محاصره‌ی آن می‌یافت زیر کنترل درآورد و از این طریق پیوند جمع را تأمین نماید.

## اسطوره در مراسم طلب آفتاب

قبل از آنکه رد پای اسطوره را در مراسم آیینی - سنتی طلب آفتاب جستجو کنیم، ابتدا به چگونگی پیدایش اسطوره و پخش و گسیختگی آن و سپس چگونگی و اجرای مراسم و نشانه‌های اسطوره‌ای که از جهان روحانی، صورت مادی به خود گرفته، یا به تعبیر دیگر از صورت نامرئی و نامحسوس به مرئی و محسوس درآمده است می‌پردازیم.

اسطوره محصول تصور انسان است و از شرایط ویژه‌ای ناشی شده که باید کاری انجام دهد. اینکه آیا اسطوره واقعیت دارد یا نه؟ پرسش درستی نیست مهم آن است که بدانیم این اسطوره چه کاری انجام می‌دهد.

پس با بررسی مطالب اساطیر بسیار متنوعی که در جهان به دست آمده و با انتخاب پنداره «کارکرد» به عنوان معیار می‌توانیم اسطوره‌ها را به گونه‌های زیر تقسیم کنیم.

۱ - اسطوره آیینی (جادویی) ۲ - بنیاد ۳ - شخصیت ۴ - کیش ۵ - جهان پس از مرگ.

### ناگهانی پاشیدن آرد

در واقع خواستار تغییر و وضعیت آبی و به نوعی منتظر معجزه می‌باشد.

### طرز قرار گرفتن اعضای گروه در اجرای مراسم

ابتدا سرخوان و با کمی فاصله مسئولان حمل‌جمجمه (که دو نفر می‌باشند و وظیفه چرخاندن آن را هم به عهده دارند) و کمی دورتر دو نذر جمع‌کن قرار دارند که در فاصله‌ی بین مسئولان حمل‌جمجمه و نذر جمع‌کن، بچه‌ها به عنوان همسرایان قرار می‌گیرند. گفتنی است که پنج نفر مسئول به تعداد همسرایان که نباید از چهارده نفر کمتر باشند اضافه می‌شود.

اما اینکه چرا اعمال و رفتاری که در این مراسم آیینی و سنتی وجود داشته می‌تواند به دین زردشت ارتباط یابد از این روی است که اسطوره و تاریخ در دین زردشت کاملاً با هم درمی‌آمیزند و ایرانیان همه تاریخ خود را در پرتو اسطوره‌هایشان درک می‌کنند. تاریخ صحنه‌ای است برای نبرد میان خیر و شر و اهمیت حوادثی که در این صحنه رخ می‌دهد، تنها وقتی به درستی درک می‌شود که در پس آن مقصود و منظور و فطرت خدا دیده شود.

### شعرطلب آفتاب با اندکی برگردان به فارسی

ممد خرتو، سبای<sup>۲</sup> افتو.<sup>۳</sup> (یک بار سرخوان می‌خوانده و گروه بعد از شعرخوانی سرخوان تکرار می‌کنند)

پوستین، بابارو پرتو کن<sup>۴</sup> // آنقدر گرما تولیدکن که بابا مجبور شود لباس زمستانی خود را از تن بیرون آورد و روایت دیگر که نمادین است، اینکه ای آفتاب آنقدر به تأییدن ادامه بده که خوشه‌های شالی کاملاً برسند و غلاف‌ها دانه‌های برنج را رها کنند.

ما بچه‌های گرگیم، از سرمای می‌لرزیم! = تعبیری نمادین دارد. در چنین شرایطی که محصول آماده برداشت است، باران موجب ضرر و زیان می‌شود، همان‌طور که گرگ‌ها در زمستان تحمل سرما را ندارند و برای تأمین غذا مجبورند به روستا نزدیک شوند، و نزدیک شدن به روستا، مساوی با مرگ آنهاست. در این جمله به نوعی التماس و درخواست کمک کردن، در ظاهر از آفتاب ولی باطناً از خداوند دیده می‌شود و از زبان بچه‌های گرگ به بیان می‌آید و استفاده از بچه‌های گرگ، در واقع جلب رضایت و برانگیختن حس ترحم خداوند است.

از شاخ گاو می‌ترسیم! = در قدیم دامداران روستا برای محافظت از دام‌های خود در جنگل، شاخ گاوهای نرشان را سوهان می‌زدند و تیز می‌کردند، و در مواقع خطر آنها را به جنگ حیوانات درنده وا می‌داشتند. در لایه زیرین این جمله می‌توان نگرانی و اضطراب اهالی روستا را از عاقبت ریزش باران دید، که در صورت شدت بارندگی، محصول خراب می‌شود و مردم قادر به تأمین مایحتاج روزانه‌ی خود نیستند.

یک مشت نخود پرتوکن<sup>۵</sup> اشاره به تأییدن و نورافشانی خورشید است و چون نخود کروی شکل و زرد طلایی است، به اشعه‌های خورشید تعبیر شده است.

سرخوان: افتو، افتو، افتو کن

پوستین، بابا رو پرتو کن

ما بچه‌های گرگیم، از سرمای می‌لرزیم!

از شاخ گاو می‌ترسیم!

مرغ تو لانه مرده، گوسفند تو آغل مونده

ممد خرتو، سبای افتو.

شکل‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. نماد باروری و خورشید است و در دین زرتشت به عنوان یکتا آفریده نام برده شده و نماد خیر نیز می‌باشد و از جوهر روشنی اورمزد برخوردار است.<sup>۱</sup>

«اهریمن با گرسنگی و آز و نیاز به گاو یکتا آفریده می‌تازد. پیش از آنکه اهریمن به سوی گاو بیاید اورمزد برای اینکه رنج مرگ را برای او آسان کند به او «بنگ» می‌دهد، گاو با حمله اهریمن نزار می‌شود بر پهلوئی راست می‌افتد شیر او خشک می‌شود و می‌میرد، از تن گاو یکتا آفریده انواع غلات و گیاهان دارویی می‌روید...»

در اساطیر مصر به عنوان خدای رع (Re) نامبرده شده و در متون بسیاری آمده که خدای نیل (Nile-god) لمیده است و چند سنبله و یک شاخ برکت (Corneopia) در دست دارد. شاخ برکت جسم قیف ماندنی است، لبریز از میوه گل و غله که نماد فراوانی و برکت است. و به لحاظ هندسی، سر گاو به شکل مثلث است که یکی از اشکال ازلی می‌باشد و بادایره و مربع همسان و بیانگر هماهنگی و تناسب است. مثلث با خورشید و گندم در رابطه است و نمادی از باروری می‌باشد. مثلث سنتی و کلاسیک مثلثی است که زاویه رأس آن ۳۶ درجه و دیگر زوایای آن ۷۲ درجه باشد، که عدد ۳۶ یکپارچگی کیهان و تلاقی عناصر اربعه و تحولات چرخشی دوران‌ها را بیان می‌کند و رابط میان آسمان و زمین و بشر است و اغلب به عنوان طلسمی برای محافظت در برابر چشم زخم و بلاهای بد به کار می‌رود.

### طناب

در مراسم شاهدیم که جمجمه گاو شاخ‌دار را به صلیب می‌کشند و حول محور فرضی ۳۶۰ درجه می‌چرخانند و به روایتی بیانگر چرخش دوران و چهار فصل است. مهم‌ترین هدف از چرخاندن جمجمه این است که خواستار تغییر وضعیت آبی می‌باشد. (معجزه)

طناب و ارتباط آن با مراسم به روایتی نیروی ارتباط‌دهنده و واسطه‌ی بین خورشید (جمجمه گاو) و زمین است، و از آنجایی که در علم نجوم ثابت گردیده که زمین به دور خورشید می‌چرخد، چرخاندن جمجمه گاو حول محور فرضی ۳۶۰ درجه با چشم غیرمسلح ثابت دیده می‌شود. به تعبیر دیگر بیانگر ثابت بودن خورشید و چرخش زمین به دور آن است که در این مراسم انسان نماد زمین است و همانند ارایه‌ای می‌ماند که به واسطه‌ی نیروی اسب چیزهایی را با خود حمل می‌کند. در حقیقت بدون اسب، ارایه معنی ندارد و بدون خورشید، زمین.

در اساطیر چین هم در سیستم چوئی (Chou-Pei) اشاره به چنین طنابی شده و از نظر زبان‌شناسی آن را تسمه‌ای می‌نامند که واسط میان زمین و آسمان است.

### آرد سفید (گندم، برنج)

به روایتی به معنای روشنایی، پاکی و نورافشانی خورشید است و نماد خیر می‌باشد و از آنجایی که آرد سفید محصول تبدیل شده، گندم و برنج است و ارتباط مستقیم با مراسم دارد نماد برکت هم می‌باشد.

### پیرزن

اشاره به جنسیت خورشید، و طول عمر آن دارد. البته بعضی از ریش‌سفیدان معتقد هستند که پیرزن باید سید باشد و بعضی‌ها هم چنین اعتقادی ندارند چون قصد و منظورشان از پیرزن، تنها اشاره به جنسیت خورشید و قدمت آن می‌باشد.

اینکه چرا اعمال و رفتاری که در این مراسم آیینی و سنتی وجود داشته و می‌تواند به دین زردشت ارتباط یابد از این روی است که اسطوره و تاریخ در دین زردشت کاملاً با هم درمی‌آمیزند و ایرانیان همه تاریخ خود را در پرتو اسطوره‌هایشان درک می‌کنند. تاریخ صحنه‌ای است برای نبرد میان خیر و شر و اهمیت حوادثی که در این صحنه رخ می‌دهد، تنها وقتی به درستی درک می‌شود که در پس آن مقصود و منظور و فطرت خدا دیده شود

# ساخت اساطیر

آنتونی کریستی

باجان مشرفی



۱۶۲

قیبیل نان، پنیر، تخم‌مرغ پخته شده، میوه‌جات... را صرف می‌کنند و بقیه (از قبیله برنج، روغن، قند، پول،...) را بین مستمندان محل تقسیم می‌کنند و بی‌صبرانه منتظر قطع باران می‌شوند.

با برشمردن مراسم طلب آفتاب جزو اسطوره‌ای آیینی دو معیار اصلی در این گونه اسطوره‌ها دیده می‌شود که شامل دو بخش اجرایی و گفتاری است و تشریح‌کننده اوضاع و احوالی هستند که کاملاً ملموس است. نمادها و باورهای متعددی در آن وجود دارد که البته با ذکر و شرح آنها از لحاظ روانی، مذهبی و اساطیری می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

## نمادها و مفاهیم آنها در مراسم طلب آفتاب

در تجزیه و تحلیلی از نمادهای فوق می‌توان به این نکات اشاره کرد: **جمجمه گاو شاخ‌دار:** گاو از جمله حیوانات مقدس و در اکثر اساطیر یونان، روم، مصر، بین‌النهرین، اوگاریتی، هیتی، عبری از آن یاد شده و به

اعضای شرکت‌کننده در مراسم تعدادی از پسرانی است که نباید کمتر از چهارده نفر بوده و از لحاظ سنی نیز باید کمتر از پانزده سال باشند. به روایتی می‌گویند علت انتخاب چهارده نفر به نیت چهارده معصوم است و سن کمتر از پانزده سال پاک بودن و ثبت نشدن گناهان آنها از طرف خداوند می‌باشد که از لحاظ مذهبی مورد توجه می‌باشد. البته در دین زردشت سن پانزده سالگی، سن آرمانی است و فقط مومنان حق شرکت در مراسم و مناسک را دارند. و از آنجایی که قبل از ظهور اسلام در ایران دین زردشتی رواج داشته است این مراسم می‌تواند یادگار دین زردشتی در ایران باشد.

پس از مشخص شدن افراد گروه جمجمه‌ی گاو شاخ‌داری را به وسیله دو تکه طناب به بند می‌کنند که توسط دو نفر که وظیفه چرخاندن آن را هم به عهده دارند حمل می‌شود. یک نفر به عنوان سرخوان گروه، شعر مخصوص طلب آفتاب را می‌خواند که قسمتی از آن نیز توسط دیگر اعضای گروه تکرار می‌شود. دو نفر هم به عنوان نذر جمع‌کن انتخاب می‌شوند که همراه با گروه در کوچه و پس‌کوچه‌های روستا حرکت می‌کنند و از مردم نذرها (به تعبیری قربانی‌ها) را جمع‌آوری می‌کنند. آنها آنقدر به گردش در کوچه‌ها ادامه می‌دهند تا پیرزنی که از قبل انتخاب شده (البته هیچ یک از اعضای گروه از نام او مطلع نیستند) به طور ناگهانی خود را به گروه رساند، و با کاسه آردی که به همراه دارد مشت آرد به صورت سرخوان می‌پاشد. (در این مورد اختلاف نظر وجود دارد و عده‌ای می‌گویند بعد از پاشیده شدن آرد به صورت سرخوان، دیگر اعضای گروه هم صورت خود را با آرد سفید می‌کنند) در این جا مراسم تقریباً به اتمام رسیده و گروه در محلی مانند مسجد، امامزاده، درخت مقدس، گرد هم می‌آیند و آن بخش از نذریات جمع‌آوری شده را تا حدودی که قابل خوردن باشد (از

معنی نماد	نماد
باروری، خورشید، هماهنگی و تناسب	جمجمه گاو شاخ‌دار
نیروی ارتباط‌دهنده، واسطه	طناب
روشنایی، پاکی، خالص بودن	آرد سفید
چرخش دوران، چهار فصل	چرخاندن جمجمه
روحانی بودن، پاک و منزه بودن	بچه‌ها
اشاره به جنسیت خورشید، قدمت و طول عمر خورشید، خورشید	بیرزن مسن
معجزه، اشاره به تغییر وضعیت آنی	ناگهانی پاشیدن آرد
تطهیرکننده، حضور خدا	آتش
باران	ماز
باران بیش از نیاز، شومی	مارسیاه

# قالی ایران یا باغ همیشه بهار

پاتریس فونتن  
ترجمه اصغر کریمی

قالی ایران یا باغ همیشه بهار

پاتریس فونتن

ترجمه اصغر کریمی

انتشارات معین، انجمن ایران شناسی فرانسه

این اثر در واقع پژوهشی است، حاصل دو نوبت سفر تحقیقاتی فونتن به ایران و شهر اراک در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷. محقق در مقدمه کتاب و در ذیل موضوع پژوهش و محدوده‌ی جغرافیایی آن معتقد است که هنر و صنعت فرش بافی در ایران علاوه بر اینکه در سطح ملی حائز اهمیت است، در سطح محلی نیز موجب اشتغال خواهد شد. مؤلف بر آن است تا به اهمیت و جایگاه ارزشمند اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی قالی بافی اشاره کند و معتقد است که تحقیق در وجوه گوناگون قالی بافی که کمتر بدان پرداخته شده از جمله جنبه‌های تاریخی، اقتصادی، فن‌شناختی و زیبایی‌شناختی از دیدگاهی مردم‌شناسانه بسیار ارزنده است و محقق نیز در این کتاب تلاش دارد چنین اهدافی را مورد بررسی قرار دهد. کتاب در ۱۸۴ صفحه و افزون بر پیش‌گفتار در چهار فصل همراه با نتیجه‌گیری و پیوست‌هایی شامل پرسش‌نامه، تولیدات منطقه در قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ ه. ش و جدول داده‌های جغرافیایی، کتاب‌شناسی و تعدادی تصاویر رنگی ارائه شده است. فونتن ابتدا چشم‌اندازی کلی از منطقه اراک ارائه داده و سپس به کار تحقیقاتی خود در اراک و تحت عنوان فن قالی بافی، به چگونگی گسترش صنعت فرش از سال ۱۲۸۷ ه. اشاره می‌کند. وی از چگونگی تولید قالی و پروسه آن از مرحله‌ی دریافت مواد اولیه و نقشه تا بافت و چگونگی دریافت دستمزد در زمان فعالیت شرکت‌های اروپایی در منطقه یاد می‌کند. سپس تحت عنوان بافت فرش در مورد مواد اولیه، رنگ‌رزی، نقشه خرید و فروش مواد اولیه و نقشه‌ها، دارهای قالی بافی و روند بافت فرش از جمله چله‌دوانی بافت و عملیات نهایی (پرداخت) توضیحاتی ارائه داده و در پایان نیز به اندازه‌های فرش در اراک و کیفیت گره‌های قالی و نقش قالی اشاره می‌کند.

فونتن به این نتیجه می‌رسد که اکثر فرش‌های این منطقه به کمک تقریباً ۱۰ تا ۱۲ رنگ بافته شده و رنگ‌هایی چون بژ، سیاه، سفید، کرم، خاکی قرمزانه و صورتی کاربرد بیشتری دارد. وی متداول‌ترین نقش‌های رایج در قالی اراک را نقش ماهی، نقش بوته‌ای و طرح‌های شاه‌عباسی می‌داند و از طرح‌های پرده‌ای، بندی شکسته، جوشقانی، اروپایی به عنوان دیگر طرح‌های رایج نام می‌برد. در رابطه با فرش‌های منطقه‌ی موضوع تحقیقش، وی با بیان اینکه در فرش‌های این منطقه که همچنان بر روی دستگاه‌های عمودی بافته می‌شود، گاه برحسب اینکه کار منحصراً زنانه باشد یا مردانه اختلافات ساختاری و تزئینی مشهود می‌شود. از جمله تعداد کم یا زیاد گره ترکی، گره‌زنی کم و بیش فشرده، ترکیب انتقالی یا انعکاسی و... وی سپس به فرش به عنوان یک عنصر اساسی جهت راحتی خانواده‌ها اشاره می‌کند. کاربرد فرش در جهت تبیین تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی، نقش، تعداد، اندازه، کیفیت، کاربرد و غیره نشانه‌هایی جهت ارزیابی و تعیین هویت شمرده می‌شود و اینکه برای روستاییان نباید نقش نمادین فرش فراموش شود.

آنچه از پیوست‌های کتاب به دست داده می‌شود نشان‌دهنده یک کار تحقیقاتی و مطالعاتی گسترده‌ای است که برای کسب اطلاعات و داده‌های موضوع تحقیق به انجام رسیده است. پژوهشی از نوع تحقیق و کاملاً کاربردی که جهت پایان‌نامه‌ها در رده‌های متفاوت و رشته‌های مختلف هنری از جمله صنایع دستی، فرش، پژوهش هنر و دکترای امور فرهنگی در کشورمان بسیار سودمند است.

سرخوان: افنو، افنو، افنو کن  
یک مشت نخود پرتو کن  
شاخ گاو در کمندمان  
بتاب بر پدر و مادرمان!  
مدد خر تو، سبای افنو.

## معنی و تفسیر شعر طلب آفتاب

مدد خرتو، سبای افنو // جمله خبری و برگرفته از تمثیلی محلی است. وقتی الاغی هوس آوازخوانی می‌کند و موجب آزار و اذیت آدم‌ها می‌شود، می‌گویند خر تب کرده و به تعبیری هذیان می‌گوید. در چنین مواقعی نقل می‌کنند که فردای آن روز آفتاب می‌شود و جمله فوق به این معناست که: خر تب کرده و فردا آفتاب خواهد شد. «تو» در این جمله به معنای تب است.

در روایت دیگر «مدد» (محمد) کسی است که جمجمه خر را می‌چرخاند و این‌گونه معنی شده که محمد جمجمه خر را بچرخان تا فراد آفتاب شود و اینکه چرا جمجمه خر را جایگزین جمجمه گاو کردند، برای راحتی تلفظ است و «تو» در این جا به معنای چرخاندن است و هر دو معنا در گویش محلی کاربرد دارد.

شاخ گاو در کمندمان، بتاب بر پدر و مادرمان. در واقع شاخ گاو را که نماد خورشید در زمین است به نوعی به اسارت می‌گیرند و از خورشید می‌خواهند برای آزادی او بتابند. منظور از پدر و مادر از یک منظر، اشاره به مزارع شالی است که حکم خانواده را برای روستاییان دارد و از سوی دیگر می‌تواند به این معنا باشد که با تابیدن خورشید به مزارع شالی از نگرانی و دلواپسی پدر و مادرها کاسته و آنها به آینده امیدوار می‌شوند.

## پاورقی‌ها:

۱. شناخت اساطیر ایران. نوشته جان هینلز، ترجمه ژاله آموزگار
۲. سبای = فردا
۳. افنو = آفتاب
۴. پرتاب کردن، رها کردن
۵. پرتوافشانی - تابیدن

## منابع:

- پژوهشی در اساطیر ایران. مهرداد بهار
- شناخت اساطیر ایران. جان هینلز، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی
- در قلمرو وجدان. عبدالحسین زرین‌کوب
- اساطیر خاورمیانه. ساموئل هنری هوک، ترجمه علی‌اصغر بهرامی
- اساطیر چین. آنتونی کریستی، ترجمه باجلان فرخی
- سیری در اساطیر یونان روم. ادیت هیلتون، ترجمه عبدالحسین شریفیان.